

فصلنامه تاریخ اسلام  
 سال سیزدهم، شماره دوم، تابستان  
 1391، شماره مسلسل 50

## چگونگی برخورد پیامبر<sup>6</sup> با آثار تاریخی در شبه جزیره عربستان

تاریخ دریافت: 90/8/16 تاریخ تأیید: 91/10/20

حسین علی ساعدی\*

آثار تاریخی فراوانی در شبه جزیره عربستان پیش از اسلام وجود داشت. برخی از این آثار به اعتقادات اعراب مربوط می‌شد و بناها و نمادهایی مانند معابد، سمبل‌های مقدس، اصنام و آثار بت‌پرستی، کنیسه‌ها و دیرهای ادیان ابراهیمی را دربر می‌گرفت و برخی دیگر به مظاهر تمدنی موجود در شبه جزیره مانند قصرها، قلعه‌ها و حصارها پیوند می‌خورد. این مقاله پس از بررسی کوتاه اوضاع جغرافیایی، دینی و فرهنگی عربستان پیش از طلوع اسلام، آثار تاریخی این سرزمین را به دو دسته آثار دینی و غیر دینی تقسیم می‌کند و بر اساس آن، نوع برخورد پیامبر<sup>6</sup> را با هر یک از این آثار بررسی می‌نماید.

**واژه‌های کلیدی:** پیامبر<sup>6</sup>، آثار تاریخی دینی، آثار تاریخی غیر دینی، شبه جزیره عربستان.

\* دانشجوی دکتری تاریخ جامعه المصطفی العالمیه.

#### مقدمه

برای آشنایی با آثار تاریخی اعراب در شبه جزیره عربستان، ضروری است به صورت کامل با اوضاع جغرافیایی، دینی و فرهنگی اعراب در دوران قبل از ظهور اسلام آشنا شویم.

#### جغرافیای شبه جزیره

سرزمین اعراب در نزد مورخان با نام مجازی جزیره العرب معروف است. در حالی که این سرزمین، جزیره نیست بلکه شبه جزیره است<sup>1</sup> ولی اعراب آن را جزیره می‌نامند، مانند شبه جزیره ایبری که جزیره اندلس و بین‌النهرین در عراق که جزیره اقور نامیده می‌شوند.<sup>2</sup> شبه جزیره عرب، بزرگترین جزیره عالم تعبیر می‌شود. عرض آن هفت صد مایل و طول آن به هزار و صد مایل می‌رسد و مساحت آن در حدود یک میلیون متر مربع است.<sup>3</sup> اعراب، سرزمین خود را به پنج بخش تقسیم کرده‌اند: تهامه، نجد، حجاز، عروض، یمن.<sup>4</sup>

#### دین در شبه جزیره

اعراب جاهلی، اصنام و اوثان را می‌پرستیدند. اصنام شکل‌های متنوعی به صورت انسان یا حیوان و یا پرندگان داشتند و مشهورترین آنها عبارت بودند از: ود، سواع، یغوث، یعوق، نسرا، لات، غری، مناة و هبل. علمای اخبار، نخستین کسی که بت‌پرستی را به میان اعراب آورد، عمرو بن لحي می‌دانند.<sup>5</sup> پرستش اصنام و اوثان در میان اعراب سنتی

بود که عمرو بن لحي ابداع کرد و اعراب گمان می‌کردند آن چه او ایجاد کرده، شیوه‌ای نیکو و پسندیده است.<sup>6</sup> قدردانی و احترام نسبت به بت‌ها و مجسمه‌های عرب در جاهلیت را می‌توان به موارد ذیل محدود کرد.<sup>7</sup>

1. عرب‌ها با خم شدن در مقابل بت‌ها به آنها توسل می‌کردند و در هنگام سختی با فریاد و زاری از بت‌ها حاجت می‌خواستند. هم‌چنین معتقد بودند بت‌ها نزد خدا از آنها شفاعت می‌کنند و آرزوها و اهدافشان را بر آورده می‌سازند.

2. اعراب حاجت‌هایشان را از بت‌ها می‌خواستند، اطراف آنها طواف می‌کردند، خود را در نزدشان خوار و حقیر می‌دانستند و در برابر آنها سجده می‌کردند.

3. به بت‌ها از راه‌های گوناگون تقرب می‌جستند. در نزد آنها قربانی می‌کردند و به نام ایشان در سایر مکان‌ها قربانی می‌نمودند.

4. یکی از راه‌های تقرب جستن به اصنام و اوئان این بود که اعراب مقداری از خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها را به ایشان اختصاص می‌دادند.

5. بیشتر بت‌ها در خانه کعبه به وسیله دادن نگهداری می‌شدند.

هم‌چنین نباید فراموش کرد که تعداد زیادی از اهالی شبه جزیره، بت‌پرستی را رد می‌کردند و ترجیح می‌دادند پیروی یکی از ادیان شناخته شده مانند مسیحیت،<sup>8</sup> یهودیت<sup>9</sup> و

یا دین‌های نیمه مذهبی صابئین<sup>10</sup> و مجوس<sup>11</sup> باشند. تعداد افرادی نیز بودند که ترجیح می‌دادند پیرو دیانت حنفی باشند.<sup>12</sup>

#### فرهنگ و تمدن در شبه جزیره

پس از تبیین مقدمه‌ای از وضعیت ابتدایی دین در شبه جزیره، باید به بیان توسعه تمدن و میراث فرهنگی این سرزمین پرداخت<sup>13</sup> که قرن‌های بسیاری پیش از طلوع اسلام در شبه جزیره عربستان شکوفا بود. با توجه به تأسیس دولت‌های متمدنی که دامنه نفوذ خود را به سراسر شبه جزیره عربستان و اطراف آن کشیده بودند، پژوهشگر منصف نمی‌تواند به وجود این تمدن‌ها توجه نکند.

از مهم‌ترین مناطق شبه جزیره که در این سرزمین مشاهده می‌شود، تمدن‌های گسترده با سنتی سخت در حوزه‌های فرهنگی است که مناطقی از شمال و جنوب عربستان را در بر می‌گیرد. آثار مکتوب و غیر مکتوب، وجود تمدن در مناطق شمالی را متعلق به دولت‌های نباطه،<sup>14</sup> تدمر،<sup>15</sup> غسانیان<sup>16</sup> و لخمیان<sup>17</sup> می‌دانند، اما بیشتر دولت‌های جنوبی که در سرزمین یمن پدید آمده بودند دارای تمدن بودند که می‌توان به دولت‌های معین (1200 ق. م - 600 ق. م)،<sup>18</sup> سبأ (950 ق. م - 115 ق. م)<sup>19</sup> و حمیر (300 - 525 م)<sup>20</sup> اشاره کرد.

#### برخورد پیامبر 6 با آثار تاریخی

شاید این سخن درست باشد که قسمت مرکزی شبه جزیره عربستان فاقد تمدن و شهرنشینی

نسبت به سرزمین‌های هم‌جوارش بود، اما قسمت جنوبی و شمالی شبه جزیره با منطقه مرکزی تفاوت داشت. همان‌طور که دیده می‌شود در این منطقه‌ها دولت‌های متمدنی ظهور کردند که شهرهایشان ده‌ها قرن پایدار ماند. پادشاهان این سرزمین‌ها در آن دوران، آثار تمدنی با ارزشی مانند قصرها، ساختمان‌ها و قلعه‌های بزرگ ساختند که خوانندگان این عصر را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این مقاله به برخورد و نوع تعامل پیامبر 6 با آثار تاریخی در دوران حکومتش که در بیشتر بخش‌های شبه جزیره عربستان گسترش یافته بود، بر اساس آثار دینی و غیر دینی می‌پردازد.

### آثار دینی

منظور از آثار تاریخی دینی، آثار مرتبط با عقاید دینی عرب جاهلی است که شامل آثار باقی مانده مشرکان از دوران سبائیان در یمن، بت‌های اعراب و آثار ادیان ابراهیمی مانند کلیساها و دیرها می‌شود که از صدها سال پیش در شبه جزیره عربستان رواج داشتند.

#### 1. آثار مشرکان

منظور از مشرکان کسانی هستند که در شبه جزیره ساکن بودند و به اوثنان و اصنام و مانند آنها اعتقاد داشتند. آنها را واسطه رب مقدس می‌دانستند و برای آنها معابد می‌ساختند. آثار بت‌پرستان را که در شبه

جزیره عربستان قبل از فتوح اسلامی منتشر بود، می‌توان به دو گروه طبقه‌بندی کرد. گروه اول به معابد قدیمی مشرکان در یمن باستانی اختصاص دارد و گروه دوم بت‌های عرب جاهلی را در بر می‌گیرد. در ادامه به بحث درباره جزئیات این دو گروه می‌پردازیم.

### 1-1. معابد یمن

یمنیان از دوران‌های گذشته بت‌پرست بودند. آنها معابد و هیکل‌هایی داشتند که سنبل الهه‌هایشان را در آنها نگهداری می‌کردند و يك سوم سود تجارت خویش را به سادنها می‌دادند. مهم‌ترین خدایان یمن عبارت بودند از: ماه، خورشید و زهره.<sup>21</sup> در این جا به برخی از معابد باستانی یمن که هنوز هم در این کشور وجود دارند، اشاره می‌کنیم.

#### 1-1-1. معبد العماید

معبد العماید در شهر مأرب در سرزمین یمن واقع شده و به عبادت الهة المقه اختصاص داده شده است.<sup>22</sup> تاریخ ساخت معبد به حدود دو هزار و پانصد سال پیش باز می‌گردد.<sup>23</sup> امروزه این معبد با ستون‌هایی باستانی شناخته می‌شود که هنوز در سطح زمین وجود دارند.<sup>24</sup> هنوز ستون‌های آن در میان خرابه‌ها از بین نرفته و اطراف سنگ‌هایش با نقوش و تزئینات آراسته شده است.<sup>25</sup>

#### 1-1-2. معبد الهة الموقاة

معبد الهة موقاة در شهر صرواح قرار دارد. این الهه یکی از بزرگ‌ترین خدایان

سبائیان است. معبد دیوارهای بلندی دارد که ارتفاع برخی از اجزای آن از هشت متر بیشتر است و با کتیبه‌ای به شکل سرالتیتل که نماد آن الهه است، پوشیده می‌شود.<sup>26</sup> احمد فخری جهان‌گردی که این معبد را در حوالی سال 1952 م مشاهده کرده است، آن را پناهگاه و مسکن اهالی منطقه معرفی می‌نماید.<sup>27</sup> برخی از آثار این معبد امروزه، نیز موجود است.

### 1-1-3. محرم بلقیس

محرم بلقیس به طور تقریبی در فاصله دو مایلی قریه مأرب جدید قرار دارد. امروزه این معبد به نام محرم بلقیس نامیده می‌شود و ساختمان بزرگ معبد و دیوارهای زیر شن و ماسه قرار گرفته است.<sup>28</sup> محرم بلقیس مکان اصلی الهة المقه، الهه دولت سبأ بود و متمایز از سایر معابد این الهه است که در حومه مأرب و سراسر یمن ساخته شده‌اند.

تاریخ ساخت این معبد بر اساس شواهد، کمی به دوران مکرب سبائی، الذرح بن سمه باز می‌گردد که در قرن هشتم پیش از میلاد حکومت می‌کرد.<sup>29</sup> امروزه دیوارهای معبد بدون سقف بر جای مانده‌اند و نشان دهنده تاریخچه محرم بلقیس هستند.<sup>30</sup>

با تحقیق در میان کتاب‌های تاریخی و جغرافیایی قدیمی نمی‌توانیم خبری به دست آوریم که پیامبر 6 به تخریب یا نابودی این معبد و سایر آثار دینی در هنگام فتح یمن امر کرده باشد. شاید سبب این امر این بود

که آثار دینی قبل از اسلام قداست خود را از دست داده بودند و در هنگام فتوح اسلامی، کسی از اهالی، این معابد را تقدیس یا پرستش نمی‌کرد و آنها را رها کرده بودند.

#### 1-2. اوثان و اصنام عرب جاهلی

محققان و لغت دانان درباره تعریف اصنام و اوثان اختلاف دارند. ابن کلبی (م 204 هـ) فرق میان صنم و وثن را با توجه به این که هر دو تصویر انسان است در این می‌داند که صنم از فلز یا ساخته شده و وثن از سنگ‌های ویژه ساخته شده است.<sup>31</sup> در حالی که نویسنده **تاج العروس** با این نظر مخالف است. او عقیده دارد صنم بر اساس تصویر انسان ساخته شده است و هر چه با آن تفاوت دارد وثن است.<sup>32</sup> اصنام عرب جاهلی در دوران جاهلیت، اشکال مختلفی داشتند و بر اساس صورت انسان یا حیوان ساخته می‌شدند. این اصنام در شکل و مواد سازنده، نیز متفاوت بودند. برخی از چوب، بعضی از سنگ و دسته‌ای از فلزات گوناگون ساخته می‌شدند.<sup>33</sup> مهم‌ترین اصنام و اوثانی که اعراب جاهلی، آنها را عبادت و تقدیس می‌کردند، عبارت بودند از: لات، هبل و منات.

#### 1-2-1. لات

لات یکی از مشهورترین بت‌های عرب است که نام آن در قرآن کریم آمده است. خداوند متعال در قرآن از آن نام برده و می‌فرماید:

**آیا لات و عزی را دیدید.**<sup>34</sup>



لات صخره‌ای بزرگ و چهارگوش در طائف بود که در نزد ثقیف به عنوان بزرگ خدایان اعتبار داشت. هم چنین در نزد قریش و همه عرب بزرگ بود.<sup>35</sup> در نزد ایشان به نام ربه یا سیده شناخته می‌شد که در مقابل ام الکبری، الهه عشتروت سامیان شمالی قرار داشت.<sup>36</sup> رنیه دیسوی مستشرق معتقد است:

*لات نشانه‌ای از ستاره زهره بود و اشتباه است که آن را نشانه خورشید بدانیم.<sup>37</sup>*

عرب‌ها آن را به فصل تابستان نسبت می‌دادند و می‌گفتند:

*پروردگار شما، تابستان را به دلیل سرمای طائف با لات سپری می‌کند.<sup>38</sup>*

آنها بر گردن لات، آویز و شمشیر می‌آویختند و لباس، طلا، جواهر و اشیای با ارزش را به عنوان نذر و هدیه تقدیم این بت می‌کردند.<sup>39</sup>

در اخبار پیامبر 6 آمده است آن حضرت 6 پس از فتح مکه، مغیره بن شعبه<sup>40</sup> را در سال هشتم هجری برای نابود کردن لات فرستاد. مشرکان پس از آگاهی از این امر، از پیامبر 6 درخواست کردند نابودی این بت را برای سه سال به تعویق اندازد. پس از آن که پیامبر 6 این درخواست را رد کرد، درخواست کردند که سه ماه، این امر را به تعویق اندازد ولی پیامبر 6 اصرار داشت بدون هیچ تأخیری این بت منهدم شود.<sup>41</sup>

1- 2. هبل

بت هبل در داخل کعبه قرار داشت و از

عقیق سرخ به صورت انسان ساخته شده بود.<sup>42</sup> بزرگترین خدای مشرکان مکه بود و بیشتر اعراب شمالی مانند بنی کنانه بکر، مالک و ملکان، آن را می‌پرستیدند.<sup>43</sup> هبل به نام خزیمه شناخته می‌شد. او اولین کسی بود که آن را در کعبه نصب کرد و به همین سبب، هبل به هبل خزیمه معروف شد.<sup>44</sup>

مطابق سنت پرستش هبل، هر کسی که از زیارت باز می‌گشت و یا قبل از طواف کعبه در کنار هبل، سر خود را می‌تراشید.<sup>45</sup> در کنار هبل، تیرهای ازلام قرار داشتند و هدایا و نذورات تقدیم آن می‌شد.<sup>46</sup> هبل بتی است که ابوسفیان بن حرب در جنگ احد، زمانی که قریش پیروز شد، درباره آن گفت:

*بالا است هبل<sup>47</sup>*

و پیامبر 6 در پاسخ او فرمود:

*خداوند بالاتر و برتر است.<sup>48</sup>*

در نهایت، هبل که تا آخر از برترین بت‌های قریش بود در هنگام ورود پیامبر 6 به مکه، به امر آن حضرت 6 شکسته شد. در اخبار آمده است امام علی □ بر شانه‌های پیامبر 6 رفت و هبل را شکست.<sup>49</sup>

1- 2- 3. منات

منات در مرتبه سوم و پس از عزی و لات قرار داشت. خداوند متعال درباره آن می‌فرماید:

*آیا لات و عزی و منات که بت سوم دیگری*

*است را دیدید.<sup>50</sup>*

درباره محل منات اختلاف وجود دارد. برخی

آن را در مثلل در هفت مایلی مدینه،<sup>51</sup> بعضی در قدید میان مکه و مدینه<sup>52</sup> و عده‌ای در فدک نزدیک ساحل دریا<sup>53</sup> و برخی در ودان یا جایی نزدیک آن می‌دانند.<sup>54</sup> بر اساس بیشترین آرا در میان اخباریان، منات در ساحل دریا در قدید از سرزمین مثلل قرار داشت.<sup>55</sup> اوس و خزرج، منات را پرستش می‌کردند، برایش قربانی می‌نمودند و از او هدایت می‌خواستند.<sup>56</sup>

این بت تا زمان فتح مکه مورد تعظیم و تکریم اعراب قرار داشت. در این سال پیامبر<sup>6</sup>، امیرالمؤمنین حضرت علی<sup>ؑ</sup> را برای نابودی منات فرستاد.<sup>57</sup> هم چنین گفته می‌شود کسی که منات را نابود کرد، سعید بن عبیداشه‌لی بود.<sup>58</sup>

1\_ 2\_ 4. فلس:

بت فلس در کوه طی قرار داشت.<sup>59</sup> قبیله طی، آن را می‌پرستیدند و از آن هدایت می‌خواستند<sup>60</sup> و پسران بولان، پرده‌برداری آن را می‌کردند.<sup>61</sup> با ظهور دعوت پیامبر<sup>6</sup> در شبه جزیره، عبادت فلس از بین رفت. امیرالمؤمنین حضرت علی<sup>ؑ</sup> به فرمان پیامبر<sup>6</sup>، فلس را تخریب کرد و دو شمشیر متعلق به حارث بن ابی شمر غسانی، پادشاه غسان را از آن جا آورد و به پیامبر<sup>6</sup> تقدیم کرد. پیامبر<sup>6</sup> نیز آنها را به آن حضرت<sup>ؑ</sup> بخشید. یکی از آن دو شمشیر، همان شمشیر امیرالمؤمنین حضرت علی<sup>ؑ</sup> است.<sup>62</sup>

هم چنین مسلمانان، بت ذوالخلصة<sup>63</sup> را به دست جریر بن عبدالله نابود کردند.<sup>64</sup> اوثنان و اصنام متعددی در شبه جزیره وجود داشت که اعراب آنها را عبادت و پرستش می‌کردند. بعضی از آنها به شکل درخت (مانند عزّی)<sup>65</sup> یا درخت (مانند درخت ذات انواط)<sup>66</sup> بودند. کافی است به این اشاره کنیم که تعداد بت‌ها، آن قدر زیاد شده بود که پیامبر 6 در هنگام فتح مکه، سیصد و شصت بت در خانه کعبه نابود کرد.<sup>67</sup> آن حضرت سواره و با شتر از کنار بت‌ها می‌گذشت و با چوب دستی خویش به هر کدام از آنها اشاره می‌کرد و می‌فرمود:

*بگو که حق آمد و باطل را نابود ساخت که باطل خود لایق محو و نابودی (ابدی) است.<sup>68</sup>*

تمیم بن اسد خزاعی با دیدن این حالت سرود:

*و بت‌های معتبر و معروف ثواب و پاداشی نمی‌دهند<sup>69</sup>*

بعضی از مورخان آورده‌اند پیامبر 6 پس از فتح مکه ندا داد:

*هر کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، خانه‌اش را ترک نکند مگر این که بتش را بشکند و بسوزاند. بت‌پرستی حرام است.<sup>70</sup>*

بنابراین، مسلمانان بت‌ها را شکستند. یکی از کسانی که برای شکستن بت‌ها اقدام کرد، عکرمه بن ابی جهل بود. شخصی که پدرش پیش از مرگ، مقام بت‌ها را بالا می‌برد. او نیز با پذیرش اسلام بتش را شکست.<sup>71</sup> هم‌چنین، هند<sup>72</sup> دختر عتبه با پا به بت خانه‌اش زد و آن را لگدکوب کرد و گفت:

### غرورت کجاست!<sup>73</sup>

در شکاف کعبه، صورت ابراهیم و اسماعیل کشیده شده بود و در دستشان ازلام بود. در روز فتح مکه، این تصاویر توسط مسلمانان از دیوار کعبه، محو و پاک شد.<sup>74</sup> در این جا باید به این نکته اشاره شود که پاک و محو کردن این تصاویر از دیوار کعبه برای این نبود که اسلام نقاشی و تصویر کشی را منع می‌کند، بلکه به این سبب بود که این تصاویر، نمادهای شرک و بتپرستی بودند.

### 2. آثار یهود

اماکن عبادی یهود در دوران جاهلیت به نام محاریب شناخته می‌شد که جمع محراب است و علما و بزرگان دینی یهود به نام احبار و ربانیین معروف بودند.<sup>75</sup> اعراب شبه جزیره به مکان عبادی یهود، کنیسه می‌گفتند که با کنیسه مسیحیان تفاوت داشت.<sup>76</sup> یهودیان مدینه اماکنی به نام مدارس یا مدرس داشتند و در آنجا علم و آداب دینی خویش را بازگو می‌کردند.

در تاریخ پیامبر 6 آمده است، پس از وارد شدن آن حضرت به مدینه و تأسیس دولت اسلامی و پس از آن که یهود پیمان‌های خویش را با مسلمانان شکستند میان دو طرف، جنگ‌های سختی چون بنی قینقاع (3 هـ)،<sup>77</sup> بنی نضیر (4 هـ)،<sup>78</sup> بنی قریظه (5 هـ)،<sup>79</sup> فتح خیبر (7 هـ)<sup>80</sup> و وادی القری<sup>81</sup> رخ داد ولی به دنبال این جنگ‌ها، پیامبر 6 امر به تخریب معابد مقدس یهود و

قلعه‌های ایشان نکرد. این نشانه روح بزرگ و انسان دوستی پیامبر 6 است.

### 3. آثار مسیحیان

اماکن مقدس مسیحیان با نام کنیسه و دیر شناخته می‌شد. این اماکن، مراکزی برای تبلیغ مسیحیت در شبه جزیره عربستان بودند. هم‌چنین در زمان‌هایی، حکومت‌هایی مسیحی در یمن و حبشه تشکیل شده بودند که برای ترویج مسیحیت تلاش می‌کردند.

پس از تشکیل حکومت اسلامی، برخوردهای سختی میان مسلمانان و مسیحیان مانند آن چه میان مسلمانان و یهودیان واقع شد، رخ نداد. تنها به جریان مباحه به عنوان برخورد مختصری میان مسلمانان و مسیحیان می‌توان اشاره کرد.

در حادثه مباحه، عده‌ای از مسیحیان نجران در سال دهم هجری به نزد پیامبر 6 آمدند. پیامبر 6 در ابتدا از آنان استقبال کرد و در مسجد را به روی ایشان گشود و آنان در مسجد پیامبر 6 رو به شرق و با شیوه خاص خود نماز گزاردند.<sup>82</sup> پس از آن حادثه، پیامبر 6 قانون مفصلی برای احترام به تمام مقدسات غیر اسلامی وضع کرد و در متنی که برای مسیحیان نجران نوشت، آمده است:

نجران و اطراف آن با تمام سرزمین،  
اموال، اهالی، تجارت، دیانت، اسقف‌ها،  
حاضران و غایبان آنها در ذمه خدا و رسولش  
هستند.<sup>83</sup>

پیامبر 6 حقوق شهروندی را برای تمام ادیان آسمانی تضمین کرد به شرط آن که برخلاف وعده‌های خویش با پیامبر 6 عمل نکنند. سخنان ابن حاطب، صحابی پیامبر 6 خطاب به مقوقس، حاکم مصر در اسکندریه، نشان دهنده احترام پیامبر 6 به دین مسیح است. ابن حاطب به مقوقس گفت:

*دعوت ما، همانند دعوت مسیحیان است و*

*شما را به آن فرا می‌خوانیم.<sup>84</sup>*

این رفتار در برخورد با اماکن مقدس بسیار کوچک مسیحیان نیز دیده می‌شود که طوائف کوچکی را در میان طوائف عرب تشکیل می‌دادند.

پیامبر 6 در جنگ‌ها به صورت صریح از یارانش می‌خواست درختان را قطع نکنند و کنیسه‌ها را خراب ننمایند که این نشان دهنده وجود برخی از کنیسه‌های مشهور مسیحیان در زمان پیامبر 6 و نوع برخورد پیامبر 6 با آنها است. در ادامه به بررسی نوع برخورد پیامبر 6 با اماکن مقدس مسیحیان می‌پردازیم.

### 3-1. کنیسه قلیس<sup>85</sup>

کنیسه قلیس در شهر صنعاء واقع شده بود<sup>86</sup> و بزرگترین و زیباترین کنیسه آن دوران بود. این کنیسه را ابرهه بن اشرم با دیوارهایی تزئین شده از داخل و خارج ساخت. هنگامی که ساخت آن تمام شد به پادشاه حبشه، نجاشی نامه نوشت و گفت:

کنیسه‌ای به نام تو در صنعاء ساختم که  
هرگز، هیچ عرب و عجمی مانند آن را نساخته  
است و از عرب دست بردارم تا بدان جا حج  
گذارند و حج مکه را رها کنند.<sup>87</sup>

پس اعراب این ماجرا را شنیده و به کنیسه  
ابرهه توهین کردند. ابرهه که این ماجرا را  
شنید، خشمگین شد و با سپاهی از فیلان حبشه  
برای تخریب کعبه در مکه حرکت کرد.<sup>88</sup>  
این کنیسه تا زمان ورود اسلام به صنعاء  
و سقوط بنی امیه (132 هـ)، بدون تخریب باقی  
بود. در خبرهای ابتدای دوران تسلط بنی  
عباس، نشانه‌هایی از این کنیسه دیده می‌شود.  
به عنوان نمونه، دمیری (م 808 هـ) بیان  
می‌کند که به سفاح (132 - 136 هـ) خبری از  
این کنیسه رسید و او برای استفاده از  
چوب‌های تزئین شده با طلا و سایر تزئینات  
گران‌قیمت این کنیسه، به عامل خویش در یمن  
دستور داد آن جا را تخریب کند و سنگ مرمر  
و سایر چیزهای آن جا را جمع‌آوری کند. پس  
از این واقعه، دیگر اخباری از آثار این  
کنیسه در منابع مشاهده نمی‌شود.<sup>89</sup>

### 3-2. کنیسه نجران

نجران مهم‌ترین سرزمین مسیحیان یمن بود و  
بر اساس دین مسیح تأسیس شده بود. کنیسه  
نجران یا کعبه نجران مهم‌ترین اثر مسیحی  
این سرزمین است که در چهل کیلومتری شهر  
اخرود در جنوب سرزمین نجران واقع شده  
بود.<sup>90</sup> کعبه نجران در منابع با نام‌های  
مختلفی، مانند بیعة نجران و دیر نجران



دیده می‌شود.<sup>91</sup> این کنیسه به خاندان عبدالمال بن الدیا، سادة بن الحارث بن كعب تعلق داشت. جهانگردان مسلمان که این مکان را از نزدیک دیده‌اند، آن را جایی توصیف کرده‌اند که افراد ترسان را پناه می‌داد و حاجت ایشان را برآورده می‌کرد.<sup>92</sup> شکل آن مربعی با اضلاع و قطرهای صاف بود. بالاتر از زمین قرار داشت و شبیه کعبه بود.<sup>93</sup> اعراب پیرامون آن حج می‌گذارند، طواف می‌کردند و در ماه‌های حرام مشابه کعبه بود.<sup>94</sup> برخی از اعراب مانند جاحظ (م 255) به شیوه ساخت این مکان و قصر غمدان افتخار می‌کنند.<sup>95</sup> جواد علی<sup>96</sup> عقیده دارد کعبه نجران در اصل و پیش از آن که اهل نجران، مسیحی شوند خیمه مقدسی بود که پس از آن که آنها مسیحی شدند قداست خود را حفظ کرد و اهل نجران پیرامون آن کنیسه ساختند.<sup>97</sup> در تاریخ پیامبر 6 مشاهده نمی‌شود که آن حضرت 6 به تخریب این کنیسه و سایر کنیسه‌های سرزمین یمن، مانند کنیسه مأرب و کنیسه شهر ظفار امر نماید که از مهم‌ترین مکان‌های مقدس این سرزمین، پس از ورود مسیحیان حبشه به آن بودند.<sup>98</sup>

#### 4. آثار گروه‌های مشتبه به اهل کتاب

منظور از گروه‌های مشتبه به اهل کتاب، همان گروه‌های صابئین و مجوس است که پیش از این در بحث دین عرب در شبه جزیره به آنها اشاره شد. در میان محققان، درباره قرار گرفتن این دو گروه در میان گروه‌های اهل کتاب، اختلاف وجود دارد. در قرآن کریم سه بار به صابئین<sup>99</sup> و يك بار به مجوس<sup>100</sup> اشاره شده است ولی بیشتر محققان، این دو گروه را در میان گروه‌های مشتبه به اهل کتاب قرار می‌دهند.<sup>101</sup>

آثار و معابد معروفی از صابئین در شبه جزیره عربستان باقی نمانده است. انطاکیه<sup>102</sup> و حران<sup>103</sup> مناطقی هستند که بیشترین تعداد صابئین در آنها حضور داشته‌اند. جهان‌گردان و جغرافی‌نویسان مسلمان در آثارشان به وجود معابد صابئین در شهرهای انطاکیه و حران اشاره می‌نمایند. مسعودی در این باره می‌گوید:

*صابئین حرانی، معبدهایی به نام جواهر عقلانی داشتند که از جمله آنها معبد علت اولی، معبد عقل، معبد سنبله، معبد صورت و معبد نفس بود که به شکل دایره بودند و معبد زحل که شش گوشه بود، معبد مشتري که مثلث بود، معبد مریخ که مستطیل بود و معبد شمس که مربع بود.<sup>104</sup>*

مسعودی به وجود معبد عامر در باب رقه حران نیز اشاره می‌کند که در نزد صابئین، معروف به مغلیت است و به نظر آنها معبد آزر<sup>105</sup> بوده است.<sup>106</sup>

هم چنین در تاریخ، معبد معروفی که متعلق به زردشتیان شبه جزیره باشد، معرفی نمی‌شود و تمام اخباری که درباره مجوس وجود دارد مربوط به خبری است که بلاذری بیان می‌نماید. بلاذری درباره دعوت مجوس به اسلام می‌نویسد:

پیامبر<sup>6</sup>، علاء بن عماد حضرمی را در سال هشتم هجری به بحرین فرستاد تا اهل آن را به اسلام دعوت کند و به دست او، نامه‌ای برای مرزبان هجر، سیبخت مجوس فرستاد. سیبخت اسلام را پذیرفت و همراه عده زیادی از عرب و عجم آن دیار، مسلمان شد و عده‌ای از ایشان که از مسلمان شدن اکراه داشتند جزیه پرداختند.<sup>107</sup>

پیامبر<sup>6</sup> از مجوس جزیه<sup>108</sup> می‌گرفت و این امر ثابت می‌کند مجوس مشرک یا بتپرست نبوده‌اند. بنابراین می‌توان گفت: وجود معابد زردشتی در این منطقه و سایر مناطق، نشان دهنده این است که پیامبر<sup>6</sup> با این آثار و آثار دینی اهل کتاب برخورد متفاوتی نداشت و از ایشان، فقط جزیه دریافت می‌کرد.

بنا به گفته همدانی (م 334 ه) مجوس در یمن در قرن چهارم هجری وجود داشتند و در آتشکده‌ای نزدیک معدن شام عبادت می‌کردند.<sup>109</sup> بر این اساس می‌گوئیم که اگر حضور در آتشکده‌ها و عبادت در آنها به فرمان دین ممنوع شده بود، چرا صحابه آتشکده‌های بین‌النهرین و فارس را تخریب نکردند؟ و چرا آتشکده‌ها تا قرن‌ها پس از فتوح اسلامی و حتی تا امروز باقی ماندند؟

### آثار غیر دینی

مقصود از آثار غیر دینی، آثار مرتبط با اعتقادات عربی جاهلی مانند قصرها، قلعه‌ها، ستون‌های زیبا و منابع آبی است که در سراسر شبه جزیره عربستان گسترش یافته بودند و برخی از آنها محکم و ثابت تا ظهور اسلام باقی بودند. در این جا به برخی از آثار شبه جزیره عربستان و برخورد پیامبر 6 با این آثار در هنگام فتوح اسلامی اشاره می‌کنیم.

#### 1. قصرهای یمن

قصرها جمع قصر و به معنای خانه بزرگ و مجلل است.<sup>110</sup> به تمام خانه‌های سنگی نیز قصر گفته می‌شود. علمای لغت، تمام خانه‌های بزرگ یمن در دوران جاهلیت را قصر می‌نامند. هم چنین گفته می‌شود کاخ‌های بزرگ و مجلل یمن، زمانی در عربستان شناخته شده بودند که بیشتر مردم در اطراف جهان در غارها، کلبه‌های کوچک و چادر زندگی می‌کردند. جرجی زیدان بر اساس گمان خویش از گفته همدانی (م 334 هـ)، صاحب کتاب *صفة جزيرة العرب* از این قصرها به صورت مبالغه‌آمیزی تعریف می‌کند ولی بازدید محققان غربی از برخی خرابه‌های این قصرها نشان می‌دهد که همدانی در گفته‌های خویش صادق بوده است و زیدان بر اساس گمان خویش از این گفته‌ها برداشت کرده است.<sup>111</sup> یکی از مشهورترین قصرهای یمن، غمدان است.

1-1. قصر غمدان<sup>112</sup>

قصر غمدان در صنعاء واقع شده است.<sup>113</sup> این قصر معروفترین و عجیبترین قصر یمن بود که به دست یشرح بن یحصب (25 - 15 ق. م) بنا شد.<sup>114</sup> جهانگردان مسلمان، قصر غمدان را با اوصافی عجیب توصیف کرده و در این باره نوشته اند:

قصر بر چهار صورت قرمز، سفید، زرد و سبز بنا شده است. در اندرون آن قصری با هفت سقف بنا کردند که میان هر دو سقف، چهل ذراع فاصله بود. در بالای قصر، خانه‌ای از سنگ مرمر رنگین ساختند که سقف آن از سنگ مرمر یک پارچه بود.<sup>115</sup>

مسعودی (م 346 ه)، بکری (م 476 ه) و ادریسی (م 560 ه) ویرانه‌های قصر غمدان را مشاهده کرده‌اند که به صورت تپه‌ای از خاک بوده است.<sup>116</sup> امروزه مکانی به نام قصر سلاح وجود دارد که گمان می‌رود با سنگ‌های غمدان بنا گردیده است.<sup>117</sup>

در اخبار آمده است پیامبر 6 پس از آمدن وفود یمن در سال ششم هجری، عده‌ای از صحابه مانند معاذ بن جبل، ابان بن سعید و فروة بن مسیک مرادی را برای هدایت مردم یمن به آن جا فرستاد. فروة بن مسیک به درخواست اهالی، مسجدی در صنعاء میان قلعه ممللة الخضراء در غمدان ساخت.<sup>118</sup>

از این خبر به نظر می‌رسد فروة بن مسیک به فرمان پیامبر 6، قصر را تخریب کرد و از سنگ‌های آن برای ساخت مسجد جامع استفاده

کرده است. در حالی که این چنین نبود و او آثاری را که نماد شرك و بتپرستی در آنها نبود، تخریب نکرد و قصر غمدان تا دوران خلافت عثمان بن عفان (24 - 36 هـ) باقی بود.<sup>119</sup>

مورخان مسلمان، رفتار صلح‌آمیز پیامبر 6 را در برابر آثار فرهنگی و تمدنی که پیوندی با شرك و بتپرستی نداشتند، بیان می‌کنند. بر این اساس، شاهد قصرهای دیگری در یمن هستیم. همدانی (334 هـ) مورخ و صاحب کتاب *صفة الجزيرة العرب* در این کتاب به قصرهای ناعط،<sup>120</sup> تلقم<sup>121</sup> و کوکبان<sup>122</sup> اشاره می‌کند.

باقی ماندن این قصرها تا قرن چهارم که در کتاب *صفة الجریزة العرب* نوشته شده است دلیل روشنی بر عدم تخریب و نابودی معابد و آثار تمدنی، فرهنگی و ساختمان‌های مجلل ملت‌های پیش از اسلام به دست پیامبر 6 است.

## 2. قلعه‌ها

قلعه در لغت، مکانی محکم است که به درون آن نمی‌توان دست یافت<sup>123</sup> و در اصطلاح عبارت از مکان بلندی است که افراد را از دشمن حفظ می‌کند. در ادامه، برخی از قلعه‌های معروف شبه جزیره عربستان را معرفی می‌کنیم.

### 2-1. قلعه خیبر<sup>124</sup>

خیبر ناحیه‌ای در هشت فرسخی مدینه و در راه شام است. در این ناحیه در گذشته، هفت

قلعه، مزرعه و نخلستان وجود داشت که در سال هفتم هجری به دست مسلمانان فتح شدند.<sup>125</sup> این منطقه دارای هفت قلعه محکم از سنگ و صخره بود که پنج قلعه در بخش اول خیبر و سه قلعه در بخش دوم قرار داشتند. قلعه‌های بخش اول عبارت بودند از: ناع، صعب بن معاذ، زیبر، اُبی و نزار. بخش دوم خیبر که به کتیبه معروف است دارای سه قلعه بود که عبارت بودند از: مقموص،<sup>126</sup> و طیح و سلاّم. جنگ میان مسلمانان و یهودیان در بخش اول خیبر اتفاق افتاد و قلعه‌های بخش دوم با وجود تعداد فراوان جنگجویان با صلح و بدون جنگ به دست مسلمانان افتاد.<sup>127</sup> به جنگ‌های میان مسلمانان و یهودیان در عصر پیامبر<sup>6</sup>، در بحث آثار یهود اشاره شد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که مسلمانان پس از فتح، آثار تاریخی منطقه خیبر را نابود نکردند و وجود این منطقه و آثار قلعه خیبر تا این زمان، دلیلی بر این امر است. قلعه‌های شبه جزیره عربستان به قلعه‌های خیبر محدود نمی‌شوند. قلعه‌های خیبر به سبب بزرگی و جایگاهشان در شبه جزیره در منابع تاریخی معرفی شده‌اند. برجسته‌ترین این قلعه‌ها، قلعه ابلق فرد مشرف بر تیما، ما بین حجاز و شام واقع شده است.<sup>128</sup> مورخان درباره تاریخ ساخت این قلعه اختلاف دارند. برخی می‌گویند این قلعه به زمان سلیمان بن داود باز می‌گردد.<sup>129</sup> سمؤال، شاعر یهودی در این‌باره شعری سروده که در

میان عرب ضرب المثل شده است.<sup>130</sup> جواد علی، محقق معاصر بر این باور است که قلعه ابلق فرد بقایای قصر نبونید، حاکم بابل (532 - 559 ق - م) یا بقایای قصر بزرگان و یا سایر ساختمان‌هایی است که در این مکان بوده اند.<sup>131</sup>

در منابع تاریخی آمده است زمانی که زباء،<sup>132</sup> ملکه مقتدر شبه جزیره از فتح این قلعه و قلعه مارد ناتوان ماند، جمله‌ای گفت که مثل شد. زباء می‌گوید:

**مارد سرکشی کرد و ابلق ارج یافت.<sup>133</sup>**

حارث بن ظالم یا حارث بن ابی شمر غسانی یکی از ملوک غسان به ابلق فرد حمله کرد و سموال در مقابل او در قلعه پناه گرفت و ملک از دستگیری وی ناتوان ماند.<sup>134</sup> اعشی در این‌باره سروده است:

**محل او ابلق فرد تیماست، قلعه‌ای استوار**

**است و همسایه‌ای وفادار است.<sup>135</sup>**

پس از اسلام و در زمان برخورد پیامبر 6 و مسلمانان با این اثر تاریخی، یهود تیماء با پیامبر 6 صلح کردند و آن حضرت 6 خواستار نابودی قلعه ابلق فرد نبود. هم‌چنین، قرن‌ها پس از فتوح اسلامی در کتاب‌های مسلمانان، عظمت و استواری این قلعه بسیار توصیف شده است<sup>136</sup> که نشان‌دهنده عدم تخریب آثاری که با بت‌پرستی و شرک پیوندی نداشتند توسط مسلمانان و در رأس ایشان، پیامبر 6 است.



## 2-2. قلعه مارد

قلعه مارد در دومة الجندل،<sup>137</sup> یکی از سرزمین‌های مشهور و قدیمی در منطقه جوف واقع شده است. در این منطقه قدیمی، آثار تاریخی فراوانی وجود دارد که مشهورترین آنها قلعه مارد است. بر اساس نظر محققان، قدمت قلعه مارد به 2000 یا 3000 سال پیش از میلاد می‌رسد.

این قلعه از گذشته‌های دور، قلعه‌ای تاریخی بوده است<sup>138</sup> و زبانه دختر عمرو، مشهور به زنوبیا در جنگی مشهور برای فتح آن تلاش کرد.<sup>139</sup> قلعه مارد از زمان فتح دومة الجندل در سال هفتم هجری به دست مسلمانان تا عصر حاضر، به عنوان یکی از آثار تمدن قدیم باقی مانده است. این قلعه، یکی از قلعه‌هایی است که در برابر حوادث طبیعی سالم مانده و مسلمانان از زمان پیامبر<sup>6</sup> تا حال، آن را تخریب نکرده‌اند.

## 3. حصارها

حصار بنایی مرتفع است.<sup>140</sup> یهودیان مدینه از حصارها در هنگام هجوم دشمن به قلعه‌ها استفاده می‌کردند<sup>141</sup> و نبرد اوس و خزرج در کنار حصار اتفاق افتاد.<sup>142</sup> در روایتها آمده است یهودیان نزدیک به پنجاه و نه حصار داشتند<sup>143</sup> و اعراب پیش از هجرت پیامبر<sup>6</sup> به مدینه، به پیروی از ایشان حصارهایی ساختند که تعدادشان با قلعه‌ها به هفتاد و دو پناهگاه می‌رسید.<sup>144</sup>

زمانی که پیامبر 6 از مکه به مدینه مهاجرت نمود، انصار و مهاجرین را از تخریب حصارهای مدینه نهی فرمود و آنها را زینت مدینه خواند.<sup>145</sup> گفته می‌شود بعضی از حصارها، مکان‌هایی بلند بودند که به سبب ارتفاعشان، صدای اذان از آن‌جا در تمام مدینه می‌پیچید. در روایت آمده است بلال (ت 18 هـ) از حصاری نزدیک خانه حفصه بالا می‌رفت و اذان می‌گفت.<sup>146</sup> در ادامه به بررسی حصارهای معروف مدینه می‌پردازیم.

### 3-1. حصار کعب بن اشرف<sup>147</sup>

حصار کعب بن اشرف یا قلعه کعب، عبارت است از قلعه‌ای کوچک که در منطقه جنوب شرقی مدینه در منازل بنی نضیر ساخته شده بود. طول آن 33 متر، عرض آن 33 متر و ارتفاع باقی مانده از دیوار آن 4 متر است. دارای یک در در جهت غربی است و 8 برج که از سنگ‌های ضخیمی ساخته شده‌اند. طول برخی از برج‌ها 140 سانتی‌متر و عرض آنها 80 سانتی‌متر است.<sup>148</sup>

پس از آن که یهود بنی نضیر از مسلمانان شکست خوردند، کعب بن اشرف به قتل رسید و یهودیان از مدینه اخراج شدند. این حصار تا امروز باقی مانده است که این حسن رفتار پیامبر 6 و مسلمانان را نشان می‌دهد.

### 3-2. حصار ضیحان

حصار ضیحان در مدینه در مکانی به نام

عصبه واقع شده است.<sup>149</sup> این حصار یکی از حصارهای دوران جاهلیت است که با سنگ توسط لاهیحه بن حلاج ساخته شد.<sup>150</sup> طول آن 27 متر، عرض آن 12 متر و ارتفاع آن 8 متر است.<sup>151</sup> قسمت جنوبی آن از بین رفته اما قسمت شمالی بدون خرابی باقی مانده است.<sup>152</sup>

### 3-3. سایر حصارها

سمهودی (911 هـ) در کتاب **وفاء الوفاء** **بأخبار دارالمصطفی**<sup>153</sup> که درباره مدینه در پیش از اسلام و آثار باقی مانده از آن است از حصارهای فراوانی مانند واقم،<sup>154</sup> المیسر و الرعل، السعدان متعلق به بنی لوزان و صیاصی که چهارده حصار متعلق به بنی زید بن مالک بن عوف بود، الزیدان متعلق به بنی واقف بن امری القیس بن مالک، المزدلفه، متعلق به عتبان بن مالک، فویرع متعلق به غنم بن مالک، السلج متعلق به بنی مبدول نام می‌برد. بیشتر این آثار به مرور زمان و بر اثر حوادث طبیعی و توسعه ساختمان‌ها از بین رفته‌اند.

### 4. آثار پراکنده

#### 4-1. منطقه حجر

منطقه حجر یا مدائن صالح یکی از نقاط تمدنی قدیمی در کشور عربستان سعودی است که در سمت شمالی مدینه واقع شده و مرز میان مدینه و تبوک در شمال وادی القری است.<sup>155</sup> این شهر در ابتدای تأسیس محل عبور کاروان‌هایی بود که از شبه جزیره، بخور به سوریه، مصر و سایر سرزمین‌ها می‌بردند.<sup>156</sup>

این منطقه پس از بترا در اردن امروزی، دومین شهر مدنی در دولت نبطیان بود.<sup>157</sup> قوم ثمود، خانه‌های خویش را در این سرزمین در کوه‌هایی موسوم به اثالث می‌ساختند.<sup>158</sup> گفته می‌شود اثالث کوه‌هایی در دیار ثمود در منطقه حجر نزدیک وادی القری بود.<sup>159</sup> خداوند متعال در این باره می‌فرماید:

**و با شادمانی از کوه‌ها و صخره‌ها برای**

**خود خانه می‌ساختند.<sup>160</sup>**

یاقوت حموی از این منطقه با نام مدائن صالح یاد می‌کند،<sup>161</sup> صالح پیامبری بود که خداوند متعال در میان قوم ثمود مبعوث کرد و خداوند متعال در قرآن کریم در این‌باره می‌فرماید:

**و بر قوم ثمود، صالح برادرشان را**

**فرستادیم.<sup>162</sup>**

زمانی که پس از اسلام، پیامبر 6 در مسیر غزوه تبوک در سال نهم هجری به منطقه حجر رسید به این منطقه نگریست و به اصحابش فرمود:

**به خانه‌های کسانی که بر خویش ظلم کرده‌اند، داخل نشوید مگر آن که گریان باشید.<sup>163</sup>**

پس از آن‌که، مردم تشنه شدند و خواستند از آب چاه‌های حجر بنوشند، پیامبر 6 به ایشان فرمود:

**از آب این محل کسی ننوشد، وضو هم نگیرد و اگر به این آب، خمیر کرده باشید آن را به شتر بدهید و یا دور اندازید.<sup>164</sup>**

هم چنین در روایتها آمده است در هنگام

ورود به منطقه حجر، مردی با انگشتری که در خانه‌های حجر و منطقه عذاب دیدگان پیدا کرده بود به حضور پیامبر<sup>6</sup> آمد. پیامبر<sup>6</sup> روی خود را از او برگرداند و با دست، چهره خود را پوشاند که آن را نبیند و به آن مرد فرمود:

#### آن را بیانداز.<sup>165</sup>

در مجموع این اخبار مشاهده می‌شود رفت و آمد مسلمانان در مدائن صالح از جانب پیامبر<sup>6</sup> نهی شده بود و آن را مکانی شوم می‌دانستند؛ زیرا قوم صالح در این منطقه، تعالیم پیامبرشان را تکذیب و مسخره کردند و شترش را کشتند. با این وجود، پیامبر<sup>6</sup> فرمانی برای تخریب خانه‌های قوم ثمود صادر نکرد و این خانه‌ها برای عبرت مردم سایر دوران‌ها باقی ماندند.

#### 4-2. مغایر شعیب

خانه‌های قوم ثمود در منطقه وسیعی از مغایر شعیب در خلیج عقبه تا اراضی تبوک در شمال حجاز واقع شده است.<sup>166</sup> درباره مغایر شعیب یا مدائن شعیب در قرآن کریم آمده است:

و ما به سوی اهل مدین، برادرشان شعیب را به رسالت فرستادیم. آن رسول گفت: ای مردم، خدای یکتا را که جز او خدایی نیست پرستش کنید و در کیل و وزن کم فروشی مکنید، من خیر شما را در آن می‌بینم و (اگر ظلم کنید) من می‌ترسم از روزی که عذاب سخت شما را فراگیرد.<sup>167</sup>

این مغایر تا امروز در مدینه البدع باقی مانده‌اند و حدیثی درباره آنها، مانند آنچه درباره منطقه حجر یا مدائن صالح روایت شده، وجود ندارد.

#### 4-3. بازار عکاظ

درباره وجه تسمیه بازار عکاظ آمده است؛ بازار عکاظ مکانی بود که اعراب در آن جمع می‌شدند و به مفاخره با هم می‌پرداختند.<sup>168</sup> بازار عکاظ میان مکه و طائف در نزدیکی طائف قرار داشت و به مدت بیست روز از اول ذی‌القعدة برقرار بود.

این بازار مشهورترین و بزرگترین بازار اعراب در دوران جاهلیت و اسلام بود. بازار تجاری بزرگ تمام اهالی شبه جزیره بود که در آن کالاهای تجاری مانند حریر، سنگهای معدنی و روغن عرضه می‌شد. تجارت در این بازار با تجارت سرزمین فارس در خارج از شبه جزیره ارتباط داشت.

هیچ مجمع و مراسمی در میان اعراب مانند اجتماع بازار عکاظ نبود، به گونه‌ای که این بازار در میان اعراب، تبدیل به مثل شده بود.<sup>169</sup> باقی ماندن این بازار تا عصر حاضر، دلیلی بر رفتار دوستانه مسلمانان با هرگونه آثار تمدنی و فرهنگی است که در آن اثری از شرك و بتپرستی وجود نداشته باشد.

#### نتیجه

1. بیشتر آثار تمدنی شبه جزیره عربستان پیش از اسلام در مناطقی از جنوب، مرکز و

تقریباً شمال شبه جزیره وجود داشت.  
2. اعراب جاهلی اعتقادات مختلفی داشتند که عبارت‌اند از: بتپرستی، اعتقاد به ستاره‌ها، جن و درختان، یهودیت، مسیحیت، مجوس، صابئین، و عده‌ای بر دین حضرت ابراهیم □ باقی مانده و به حنفا معروف بودند.

3. پیامبر 6 آثار تاریخی غیر دینی مانند قصرها، قلعه‌ها، ساختمان‌ها و آثار دینی ادیان آسمانی مانند کنیسه‌ها و دیرها را تخریب نکرد.

4. برخی از اخبار نشان می‌دهند که پیامبر 6 به تخریب برخی از مکان‌ها مانند بتکده‌های یمن فرمان نداد؛ زیرا آن مکان‌ها در میان اهالی منطقه قداست خود را از دست داده بودند و دیگر مکانی برای رواج شرك و بتپرستی نبودند.

5. پیامبر 6 به تخریب تمام آن چه که نمادی از شرك و بتپرستی بود مانند اصنام، اوثنان و درختان مقدس عرب فرمان داد.

## پی‌نوشت‌ها

1. جزیره به زمینی اطلاق می‌شود که از چهار جهت به وسیله آب محاصره شده است در حالی که شبه جزیره فقط از سه طرف به وسیله آب محاصره می‌شود.
2. محمود شکرالآلوسی، **بلوغ الأرب في معرفة أخبار العرب**، تحقیق محمد بهجة الاثري، بیروت: دارالکتب العلمیة، بی‌تا، ج 1، ص 187؛ عبدالعزیز سالم، **تاریخ شبه الجزيرة العربية قبل الاسلام**، الاسکندریه: موسوعة شباب الجامعة، 2008 م، ص 64.
3. ر. ک: حافظ وهبة، **جزيرة العرب في القرن العشرين**، القاهرة: بی‌تا، 1946 م، ص 1 - 3.
4. ر. ک: الحسن بن محمد الهمدانی، **صفة جزيرة العرب**، لندن: مطبعه بریل، 1884 م، ص 47؛ یاقوت حموی، **معجم البلدان**، بیروت: داراحیاء التراث العربی، 1979 م، ج 2، ص 137؛ جواد علی، **المفصل في تاریخ العرب**، الطبعة الرابعة، بی‌جا: دارالساقی، 1422 هـ / 2001 م، ج 1، ص 167 - 184؛ محمود آلوسی، **پیشین**، ص 194.
5. هشام بن محمد بن السائب الکلبی، **الاصنام**، تحقیق احمد زکی، قاهره: دارالکتب المصریة، 1924 م، ص 10؛ عبدالملک بن هشام، **السيرة النبوية**، الطبعة الاولي، بی‌جا: مؤسسه النور للمطبوعات، 2004 م، ج 1، ص 48؛ علی بن حسین مسعودی، **مروج الذهب**، تحقیق امیر مهنا، بیروت: مؤسسه الاعلمی، 2000 م، ج 2، ص 248.
6. **همان**.
7. ر. ک: ابن کلبی، **همان**، ص 13، ابن هشام، **همان**، ص 48 - 55؛ مسعودی، **همان**.
8. دین مسیح ابتدا در مناطقی گسترش یافت که اعراب در کنار یونانی‌ها و رومی‌ها زندگی می‌کردند.



علمای اخبار روایت می‌کنند مسیحیت به وسیله حبشی‌ها وارد سرزمین اعراب شد و فرستادگان رومی آن را در میان برخی از قبایل عربی مانند تغلب، طی، دومة الجندل و ملوک غساسنه انتشار دادند. ابن هشام، **همان**، ص 21؛ محمد بن جریر طبری، **تاریخ الطبری**، بیروت: دارالاعلمی للمطبوعات، بی‌تا، ج 1، ص 241 - 243.

9. دین یهود در جزیره العرب به خصوص یمن و حجاز گسترش یافته بود. سرزمین اصلی یهود که از آنجا به شبه جزیره مهاجرت کردند در نزد مورخان مبهم است. برخی از مورخان گمان می‌کنند که یهود از سرزمین خویش، فلسطین در سال 70 ق. م بر اثر خرابی اورشلیم به جزیره العرب مهاجرت کردند و برخی از آنها در یثرب، وادی القری، خیبر، فدک و تیماء ساکن شدند. ر. ک: جواد علی، **پیشین**، ج 2، ص 44.

10. صابئین بر اساس اعتقاداتشان به دو دسته تقسیم می‌شدند: صابئین حران و صابئین عراق. ر. ک: عبدالرزاق الحسنی، **الصابئة قديما و حديثا**، القاهرة، مكتبة الخانجي، 1931، ص 23 - 25.

11. قرآن کریم از دین زردشتی با نام مجوس یاد می‌کند. مجوس معرب شده مگوس است. به دلیل این که اعراب با ساسانیان همسایه و مجاور بودند دین زردشتی در برخی از مناطق شبه جزیره مانند عمان، هجر، یمامه، حیره و بحرین رواج یافت. ر. ک: جواد علی، **پیشین**، ج 6، ص 461.

12. دیانت حنفی از معروفترین اعتقادات شبه جزیره است. احناف گروهی از اعراب بودند که اوئان و اصنام را نمی‌پرستیدند و مشرک نبودند. به خدا ایمان داشتند و از او هدایت می‌خواستند. عبدالمطلب جد پیامبر 6، امیه بن ابی صلت، و رقه بن نوفل، زید بن عمرو بن نفیل، حنظله بن صفوان و خالد بن سنان از مهم‌ترین شخصیت‌هایی هستند که مورخان به عنوان احناف شبه جزیره معرفی می‌کنند. المرتضی، **رسائل مرتضی**، قم: مطبعة الخيام دارالقران الکریم، 1405

ه، ج 3، ص 225؛ يحيى الشامي، *الشرك الجاهلي و الهة العرب المعبودة قبل الاسلام*، بيروت: دارالفكر العربي، 1993م، ص 20.

13. منظور سرزمین شامل شبه جزیره و منطقه شام است.

14. بناطه، قبایلی از اعراب شمالی بودند که در شش قرن پیش از میلاد در شرق اردن، شبه جزیره سینا و فلسطین جنوبی حضور داشتند. دولت ایشان از فرات در شرق تا دریای سرخ در غرب امتداد داشت. ر. ک: جواد علی، *پیشین*، ج 3، ص 34.

15. تدمریان قومی از عرب بودند که در واحه در مرکز سرزمین شام استقرار یافتند و دارای معماری پیشرفته‌ای بودند. ر. ک: جواد علی، *همان*، ج 6، ص 130؛ علی معطی، *تاریخ العرب السياسي قبل الاسلام*، بیروت: دارالمنهل، 1993 م، ص 348.

16. غساسنه از قبیله ازدیان یمن بودند که پس از تخریب سد مأرب وسیل عرم در اواخر هزاره اول پیش از میلاد از یمن مهاجرت کردند و در جنوب سوریه استقرار یافتند. سالم عبدالعزیز، *پیشین*، ص 212؛ علی معطی، *همان*.

17. لخمیان یا آل منذر پس از مهاجرت از یمن به عراق، دولتی عربی با مرکزیت حیره، نزدیک فرات تأسیس کردند که تحت نفوذ ساسانیان قرار داشت. علی معطی، *همان*، ص 313.

18. دولت معین به تجارت شهرت داشت. *همان*، ص 323.

19. سبائیان پس از آن که در دولت معین را از بین بردند، حکومت تشکیل دادند. دولت سبأ تا اواخر قرن دوم پیش از میلاد پایدار بود. جواد علی، *پیشین*، ج 2، ص 258 - 285.

20. سرزمین یمن در زمان دولت حمیر از نظر تجاری و ساخت سدها و قصرها مشهور بود. ر. ک: عاقل نبیه، *تاریخ العرب القديم و عصر الرسول 6*، الطبعة الثالثة، بیروت: دارالفکر، 1996 م، ص 98 - 102.

21. ابوخليل شوقي، *الحضارة العربية و موجز عن الحضارات السابق*، دمشق: دارالفكر، 1409، ص 175.
22. جواد علي، *پيشين*، ج 15، ص 48.
23. احمد فخري، *بين آثار العالم العربي*، القاهرة: مكتبة الانجلو، 1958 م، ص 139.
24. جواد علي، *پيشين*.
25. احمد فخري، *پيشين*.
26. *همان*، ص 21.
27. *همان*.
28. جواد علي، *پيشين*، ج 3، ص 273.
29. *همان*، ص 246.
30. *همان*، ج 15، ص 45.
31. ابن كلبى، *پيشين*، ص 53.
32. محب الدين الزبيدي، *تاج العروس*، تحقيق علي شيري، بيروت: دارالفكر، 1414 هـ / 1994 م، ص 8.
33. جواد علي، *پيشين*، ج 5، ص 81.
34. نجم (53) آيه 19.
35. ابن هشام، *پيشين*، ج 1، ص 47.
36. كارل بروكلمان، *تاريخ الشعوب الاسلامية*، ترجمه بنيه فارس و منيز البعلبكي، الطبعة السابعة، بيروت: دارالعلم للملايين، 1977 م.
37. رينه ديسو، *العرب في سور يا قبل الاسلام*، ترجمه عبدالحميد الدواخلي، مصر: بي جا، 1959 م، ص 115.
38. محمد بن عبدالله الازرقى، *تاريخ مكة*، بي جا: دارنشر مدينة عتنة، 1275 م، ج 1، ص 74.
39. جواد علي، *پيشين*، ج 11، ص 235.
40. ابو عيسى يا ابومحمد، مغيرة بن شعبة بن ابي عامر بن مسعود يكي از دهات عرب بود. جمال الدين ابن تغري، *النجوم الزاهرة في ملوك مصر و القاهرة*، بي جا: بي نا، ج 1، ص 22.
41. ابن كلبى، *پيشين*، ص 17؛ طبري، *پيشين*، ج 3، ص

- 14.
42. ابن کلبی، **همان**، ص 28.
43. یاقوت حموی، **پیشین**، ج 5، ص 391.
44. **همان**.
45. استسقام یکی از عادات عرب جاهلی بود که تا زمان ظهور اسلام رایج بود. ر. ک: الیاس بلکاء، **الاستسقام بالانزلام**، دمشق: مجله التراث العربی (تصدر عن اتحاد الكتاب العرب)، للسنة الثالثة و العشرون، 1424 هـ.
46. ابن کلبی، **پیشین**، ص 27 – 28؛ ابن سعد، **طبقات بن سعد**، بیروت: دارصادر، بی تا، ج 2، ص 47؛ طبری، **پیشین**، ج 2، ص 202.
47. ابن کلبی، **پیشین**، طبری، **پیشین**.
48. **همان**.
49. عزیزالدین ابی حامد ابن ابی الحدید، **شرح نهج البلاغه**، الطبعة الثانية، بیروت: دارنشر الأعلمی، 2004 م، ج 1، ص 26.
50. نجم (53) آیات 19 – 20.
51. طبری، **پیشین**، ج 2، ص 341؛ مسعودی، **التنبیه و الاشراف**، بیروت: دارمکتبة الهلال، 1993 م، ص 233؛ زبیدی، **پیشین**، ج 20، ص 207.
52. یاقوت حموی، **پیشین**، ج 5، ص 204.
53. یعقوبی، **تاریخ یعقوبی**، بی تا: بی تا، ج 1، ص 255.
54. یاقوت حموی، **پیشین**، ص 206.
55. ابن هشام، **پیشین**، ج 1، ص 56؛ ابن کلبی، **پیشین**، ص 13؛ ابن کثیر، **السیرة النبویة**، تحقیق مصطفی عبدالواحد، بیروت: دارالمعرفة للطباعة و النشر و التوزیع، 1396 هـ / 1976 م، ج 1، ص 71.
56. ابن کلبی، **همان**، ابن کثیر، **همان**، ص 85.
57. ابن کلبی، **همان**، ص 37؛ الزبیدی، **همان**، ج 4، ص 210.

58. ابن سعد، **پیشین**، ج 2، ص 147؛ طبري، **پیشین**، ج 2، ص 131.
59. ابن کلبی، **پیشین**، ص 59؛ ابن هشام، **پیشین**، ص 54.
60. ابن کلبی، **همان**؛ ابن هشام، **همان**، ص 56.
61. یعقوبی، **پیشین**، ص 225.
62. ابن کلبی، **پیشین**، ص 37؛ ابن هشام، **پیشین**، ص 55؛ برخي به اشتباه گمان کرده اند که یکی از این دو شمشیر، ذوالفقار، شمشیر معروف امیرالمؤمنین □ بوده است در حالی که ذوالفقار قبل از فتح مکه در اختیار آن حضرت بوده است و جبرئیل در جنگ احد، میان آسمان و زمین ندا داد: لاسیف الأ ذوالفقار و لافتی الأ علی. ر. ک: ابن هشام، **همان**، ج 3، ص 615؛ طبري، **پیشین**، ج 2، ص 197؛ ابن کثیر، **پیشین**، ج 4، ص 707.
63. ابن کلبی، **همان**، ص 35.
64. طبري، **پیشین**، ج 1، ص 158.
65. ابن هشام، **پیشین**، ج 1، ص 53؛ الفضل بن الحسن، تفسیر طبرسي، بیروت: مؤسسه الأعلمی، 1415 هـ، ج 8، ص 160.
66. ابن هشام، **همان**، ج 4، ص 893؛ حموي، **پیشین**، ج 1، ص 273.
67. ر. ک: الازرقی، **پیشین**، ج 1، ص 78.
68. الاسراء (17) آیه 18.
69. ابن هشام، **پیشین**، ج 4، ص 37.
70. ابن سعد، **پیشین**، ج 2، ص 137.
71. الازرقی، **پیشین**، ج 1، ص 76.
72. هند دختر عتبه، همسر ابوسفیان و مادر معاویه بود، کسی که در احد، کبد حضرت حمزه □ را جوید.
73. ابن سعد، **پیشین**، ج 8، ص 226.
74. الازرقی، **پیشین**، ص 104.

75. جواد علي، *پیشین*، ج 12، ص 128.
76. *همان*، ص 126.
77. بني قينقاع هم پيمانان عبدالله بن أبي سلول بودند و شجاع‌ترین يهود مدینه محسوب می‌شدند. ر. ک: ابن سعد، *پیشین*، ج 2، ص 28.
78. احمد بن يحيى بلاذري، *فتوح البلدان*، تحقيق سهيل زكار، بيروت: دارالفكر، 1992 م، ص 21 - 22؛ ابن هشام، *پیشین*، ج 3، ص 683؛ طبري، *پیشین*، ج 2، ص 226.
79. ابن هشام، *همان*، ص 717؛ بلاذري، *همان*، ص 26.
80. ابن هشام، *همان*، ص 796؛ بلاذري، *همان*، ص 28 - 30؛ طبري، *پیشین*، ص 299.
81. بلاذري، *همان*، ص 41.
82. ابن هشام، *پیشین*، ج 2، ص 149.
83. ابن سعد، *پیشین*، ج 1، ص 268.
84. القرشي، *فتوح مصر و اخبارها*، الطبعة الاولى، بيروت: دارالفكر، 1416 هـ / 1996 م، ص 116.
85. اكليز يا كنيسة معادل يوناني قليس است. عدنان الترسيبي، *بلاد سبأ و حضارات العرب الاولى*، الطبعة الثانية، بيروت: دارالفكر المعاصر، 1990 م، ص 56.
86. صنعا مركز يمن بود. همداني، *پیشین*، ج 1، ص 29.
87. ابن هشام، *پیشین*، ج 1، ص 28؛ طبري، *پیشین*، ج 1، ص 552.
88. *همان*.
89. محمد بن موسي الدميري، *حياة الحيوان الكبرى*، بي‌جا: دارالشؤون الثقافية العامة، 2001، ج 1، ص 332.
90. عاتق بن غيث بلادي، *نشر الرياحين في تاريخ البلاد الامي*، الرياض: دارمكة، 1994 م، ص 353.
91. عبدالله البكري، *معجم ما استعجم*، تحقيق مصطفى

- السقا، الطبعة الثالثة، بیجا: عالم الكتب، 1983 م، ج 1، ص 70.
92. ابن کلبی، **پیشین**، ص 42.
93. البکری، **پیشین**، ج 1.
94. البکری، **همان**، ج 2، ص 602؛ یاقوت حموی، **پیشین**، ج 2، ص 538.
95. الجاحظ، **المحاسن و الاضداد**، بیروت: دارمکتبه الهلال، 2000 م، ج 1، ص 17.
96. محقق مسلمان عراقی که کتاب **المفصل فی تاریخ العرب قبل از اسلام**، اثر مشهور او است.
97. جواد علی، **پیشین**، ج 6، ص 619.
98. **همان**.
99. ر. ک: بقره (2) آیه 62، مائده (5) آیه 69؛ حج (22) آیه 17.
100. حج (22) آیه 17.
101. ر. ک: بعض المؤلفین، موسوعة الادیان المیسرة، بیروت: دارالفکر، 2002 م، ص 88؛ عبدالحکیم احمد عثمان، **حکم التعامل مع غیرالمسلمین**، بیجا: دارالعلم و الایمان، 2007م، ص 71.
102. انطاکیه شهر قدیمی روم که به نام آنتوفیا شناخته می‌شد. ر. ک: حسین قره‌جانلو، **جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی**، تهران، سمت، 1380، ج 2، ص 8.
103. حران در زبان رومی به نام هالینوبلس شناخته می‌شد. ر. ک: عبیدالله بن عبدالله ابن خردادبه، **المسالك و الممالک**، ص 57.
104. مسعودی، **پیشین**، ج 2، ص 255.
105. آزر عموی حضرت ابراهیم □.
106. مسعودی، **همان**.
107. بلاذری، **پیشین**، ص 84؛ محمد بن اسماعیل البخاری، **صحیح البخاری**، بیروت: دارالفکر للطباعة

- و النشر و التوزيع، 1401 هـ / 1981 م، ج 4، ص 63؛ محمد بن الحسن الطوسي، **تهذيب الاحكام**، تحقيق السيد حسن الموسوي الخراساني، الطبعة الرابعة، طهران: دارالكتب الاسلامية، 1418 هـ، ج 6، ص 159.
108. جزیه معرب شده کلمه فارسی گزیت است و در اصطلاح به مالی گفته می‌شود که از اهل کتاب برای اقامت در سرزمین مسلمانان گرفته می‌شد. ر. ک: جرجی زیدان، **تاریخ التمدن الاسلامی**، بیروت: دارالمکتبه الحیاة، 1979 م، ج 1، ص 228.
109. همدانی، **پیشین**، ص 76.
110. ابن منظور، **لسان العرب**، قم: نشر آدب الحوزة، 1405 هـ، ج 5، ص 100؛ مسعودی، **پیشین**، ج 2، ص 255.
111. جرجی زیدان، **العرب قبل الاسلام**، بیروت: دارمکتبه الحیاة، بی‌تا، ص 165.
112. قصر غمدان در ابتدای تأسیس غبدان نامیده می‌شد و نام غبدان در برخی از نقاط آن به صورت مکتوب باقی مانده است. ر. ک: احمد بن عبدالله الرازی، **تاریخ مدینة صنعاء**، تحقیق حسین بن عبدالله العمري، **الطبعة الثالثة**، بیروت: دارالفکر المعاصر، 1989 م، ص 260.
113. صنعاء شهری در یمن که از قدیم به همین نام معروف بود، از بهترین و آبادترین شهرهای یمن محسوب می‌شد و از نظر فراوانی میوه به دمشق تشبیه می‌گردید. ر. ک: یاقوت حموی، **پیشین**، ج 3، ص 436.
114. **همان**، ج 4، ص 210.
115. ر. ک: همدانی، **پیشین**، ص 26؛ احمد بن محمد بن فقیه، **مختصر البلدان**، بی‌جا: مطبعة لیدن، 1302 هـ، ص 35.
116. مسعودی، **پیشین**، ج 2، ص 299؛ ابو عبید البکری، **المسالك و الممالک**، بی‌جا: دارالغرب الاسلامی، 1992 م، ج 1، ص 171.
117. ر. ک: عدنان الترسیس، **پیشین**، ص 267.



118. احمد بن عبدالله الرازي، *پيشين*، ص 260.
119. اخباريون نقل ميکنند كه عثمان بن عفان فرمان تخريب قصر غمدان را داد. ر. ك: الهمداني، *پيشين*، ص 33؛ ابن فقيه، *پيشين*، ص 35؛ مسعودي، *پيشين*، ج 2، ص 229؛ البكري، *پيشين*، ج 1، ص 171.
120. الهمداني، *همان*، ص 43.
121. *همان*، ص 44.
122. الهمداني، *الاكليل*، بيجا: بيتا، بيئا، ج 8، ص 29.
123. احمد بن خليل الفراهيدي، *العين*، تحقيق مهدي الخزومي و ابراهيم السامرائي، الطبعة الثانية، بيجا: مؤسسة دارالهجرة، 1409 م، ج 3، ص 118.
124. خيبر در زبان يهود يعني قلعه، ياقوت حموي، *پيشين*، ج 2، ص 498.
125. بلاذري، *پيشين*، ص 28.
126. حصن مقصوص متعلق به أبي الحقيق از بني نضير بود. ابن هشام، *پيشين*، ج 3، ص 199.
127. *همان*، ص 199 – 204؛ بلاذري، *پيشين*، ص 30.
128. ياقوت حموي، *پيشين*، ج 1، ص 75.
129. *همان*، ص 67.
130. علي بن الحسين المسعودي، *التنبيه و الاشراف*، بيروت: دارمكتبة الهلال، 1993 م، ص 224؛ ياقوت حموي، *پيشين*، ص 75.
131. جواد علي، *پيشين*، ج 6، ص 529.
132. زنوبيا ملكه معروف تدمر كه به نام زبا يا زينب نيز شناخته ميشود. ر. ك: قتيبة شهاب، *منابر الحاضرة، سورية*، دمشق: الابجوية للنشر، 1988 م، ص 21.
133. مسعودي، *مروج الذهب*، *پيشين*، ج 2، ص 104.
134. ياقوت حموي، *پيشين*.
135. *همان*، البكري، *معجم ما أستعجم*، *پيشين*، ج

- 1، ص 89.
136. یاقوت حموي، *پیشین*، ج 2، ص 67.
137. *الموسوعة العربية العالمية*، الطبعة الثانية، الرياض، مؤسسة للنشر و التوزيع، 1996م، ص 1.
138. جواد علي، *پیشین*، ج 14، ص 60.
139. یاقوت حموي، *پیشین*، ج 1، ص 75.
140. ابن منظور، *پیشین*، ج 1، ص 93.
141. ر. ك: محمد بن محمود ابن النجار، *الدرة الثمينة في تاريخ المدينة*، تصحيح محمد زينهم، القاهرة: مكتبة الثقافة الدينية، 1416 هـ، ص 325؛ علي بن احمد السمهودي، *وفاء الوفاء بأخبار بدار المصطفى*، تحقيق محمد محي الدين، بيروت: داراحياء التراث العربي، بي تا، ج 1، ص 190.
142. مسعودي، *التنبيه و الاشراف*، *پیشین*، ص 167.
143. ابن النجار، *پیشین*؛ السمهودي، *پیشین*.
144. *همان*.
145. الطحاوي، *شرح معاني الآثار*، بي تا: بي تا، بي تا، ج 4، ص 194.
146. به نظر مي رسد كه همان حفصة، همسر پیامبر 6 باشد.
147. كعب بن اشرف، عربي يهودي از قبيله نبهان بود و از طرف مادر به بني نضير مي رسيد. به سبب آن كه او در جنگهاي مشركان و مسلمانان، با شعرهايش مسلمانان را مي آزرده، پیامبر 6 به قتل او فرمان داد. ر. ك: ابن هشام، *پیشین*، ج 2، ص 221.
148. ر. ك: عبدالقدوس الانصاري، *بين التاريخ و الآثار*، الطبعة الثانية، جدة: نشر مطابع الروضة، 1397 هـ، ص 70.
149. *همان*، ص 69.
150. *همان*، ص 194.
151. سعد زعلول عبدالحميد، *في تاريخ العرب*،

- بيجا: دارالنهضة العربية، 1975 م، ص 401.
152. عبدالقدوس الانصاري، **پيشين**، ص 68.
153. السمهودي، **پيشين**، ج 1، ص 190 – 215.
154. حادثه مشهور حره در اين جا اتفاق افتاده است. ر. ك: ابن خلكان، **پيشين**، ج 6، ص 276.
155. سامي بن عبدالله المغلوث، **الأطلس تاريخ الانبياء و الرسل**، الطبعة السادسة، الرياض: دارالعبيكان، 2005 م، ص 43.
156. ر. ك: عبدالرحمن الطيب الانصاري، **العلاء و مدائن صالح**، الطبعة الثانية، الرياض: دارالقوافل، 2005 م، ص 50.
157. **همان**، ص 56.
158. اصطخري، **پيشين**، ص 64.
159. ر. ك: ياقوت حموي، **پيشين**، ج 1، ص 89.
160. الشعراء (26) آيه 149.
161. ياقوت حموي، **پيشين**.
162. الاعراف (7) آيه 73.
163. بخاري، **پيشين**، ج 5، ص 135؛ احمد بن حنبل، مسند احمد، بيروت: منشورات دارصادر، بيتا، ج 2، ص 9.
164. تقي الدين المقرئ، **إمتاع الاسماع**، بيروت: دارالكتب العلميه، 1999 م، ج 2، ص 55.
165. **همان**.
166. سامي بن عبدالله المغلوث، **پيشين**، ص 43.
167. هود (11) آيه 84.
168. ر. ك: ياقوت حموي، **پيشين**، ج 4، ص 132.
169. ر. ك: ناصر بن سعيد الرشيد، **سوق عكاظ في الجاهلية و الاسلام**، بيجا: دارالانصار، بيتا، ص 7 – 20.